

148793 - تفاوت میان اسلام و ایمان

سوال

اللہ تعالیٰ در سورۃ ذاریات (آیات ۳۵ و ۳۶) می فرماید: ﴿فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (پس هر که از مومنان در آن بود بیرون بردیم (۳۵) و در آنجا جز یک خانه از مسلمانان نیافتیم). چه تفاوتی میان مومنان و مسلمانان است؟ کدام یک مقامش والاتر است؟

پاسخ مفصل

تفاوت میان اسلام و ایمان از مسائلی است که علما در کتب عقاید به تفصیل درباره اش سخن گفته اند و خلاصه سخنشان چنین است که: هرگاه این یکی از این دو لفظ به صورت جداگانه بیاید منظور از آن همه دین اسلام است که در این حالت اسلام و ایمان یکی است.

اما اگر این دو لفظ در یک سیاق بیاید در این حالت منظور از ایمان اعمال درونی است یعنی اعمال قلوب مانند ایمان به الله تعالی و دوست داشتن او و خوف و امید او و اخلاص برای او.

اما منظور از اسلام اعمال ظاهری است که ممکن است ایمان قلبی نیز همراه آن باشد یا نباشد و صاحبش منافق یا مسلمان ضعیف الایمان باشد.

شیخ الاسلام ابن تیمیہ . رحمه الله . می گوید:

«اسم ایمان گاه به تنهایی و بدون همراهی با اسم اسلام و عمل صالح و غیر آن می آید و گاه نیز همراه با اسلام می آید مانند آنچه در حدیث جبرئیل آمده که «اسلام چیست؟ و ایمان چیست؟» و مانند سخن الله تعالی که: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [احزاب: ۳۵] و آنجا که می فرماید: ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ [حجرات: ۱۴] (بادیه نشینان گفتند که ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید بلکه بگویید اسلام آورده ایم و هنوز ایمان در دل های شما داخل نشده است) و این سخن حق تعالی که می فرماید: ﴿فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [ذاریات: ۳۵ - ۳۶] (پس هر که از مومنان در آن بود بیرون بردیم (۳۵) و در آنجا جز یک خانه از مسلمانان نیافتیم).

بنابراین هرگاه ایمان همراه با اسلام ذکر شود: اسلام به معنای اعمال آشکار مانند شهادتین و نماز و زکات و روزه و حج است و ایمان به معنای باور قلبی از جمله ایمان به الله و ملائکه و کتاب ها و پیامبران و آخرت است.

و هرگاه نام ایمان به صورت مجرد بیاید، اسلام و اعمال صالح نیز در آن داخل خواهد بود مانند این سخن رسول الله . صلی الله علیه وسلم . در حدیث شعبه های ایمان که: «ایمان هفتاد و چند شعبه است؛ بالاترینش گفتن لا اله الا الله و پایین ترین آن برداشتن آزار و اذیت از سر راه است».

همینطور دیگر احادیثی که اعمال نیک را از جمله ایمان دانسته است» (مجموع الفتاوی: ۱۳/۷: ۱۵).

شیخ ابن عثیمین . رحمه الله . می گوید: «هرگاه یکی از این دو همراه دیگری بیاید، اینجا اسلام به معنای تسلیم ظاهری یعنی گفتن زبانی و عمل اعضا تفسیر می شود که از مومن کامل و شخص ضعیف الایمان نیز صادر می شود. الله تعالی می فرماید:

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ [حجرات: ۱۴]

(بادیه نشینان گفتند که ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید بلکه بگویید اسلام آورده ایم و هنوز ایمان در دل های شما داخل نشده است).

و همچنین [اعمال ظاهر] از منافق نیز سر می زند اما او در ظاهر مسلمان نامیده می شود ولی در باطن کافر است. و ایمان به معنای تسلیم باطنی که همان اقرار و عمل قلب است تفسیر می شود که این جز از مومن سر نمی زند، چنانکه الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳) أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [انفال: ۲ - ۴]

(مومنان همان کسانی هستند که هرگاه الله یاد شود دل هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می کنند (۲) همانان که نماز را به پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند (۳) آنان هستند که در حقیقت مومند. برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود).

بر اساس این معنا، ایمان برتر است، در نتیجه هر مومنی مسلمان هم هست، نه بر عکس» (مجموع فتاوی و رسائل ابن عثیمین: ۹۲/۴).

آیه ای که در سوال مطرح شده موافق با همین معناست که در وصف خانواده لوط علیه السلام یک بار از وصف ایمان و بار دیگر از وصف اسلام استفاده شده است.

اینجا منظور از اسلام، همان اسلام ظاهر و منظور از ایمان، ایمان قلبی حقیقی است. هنگامی که الله متعال اهل بیت ایشان را توصیف نمود همه را به اسلام توصیف نمود زیرا زن لوط علیه السلام از اهل بیت او بود که در ظاهر مسلمان و در حقیقت کافر بود و هنگامی که الله تعالی کسانی را که از آنجا خارج شدند و نجات یافتند ذکر نمود آنان را به وصف ایمان نام برد:

﴿فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [ذاریات: ۳۵ - ۳۶]

(پس هر که از مومنان در آن بود بیرون بردیم (۳۵) و در آنجا جز یک خانه از مسلمانان نیافتیم).

شیخ الاسلام ابن تیمیه . رحمه الله . می گوید:

«زن لوط منافق و در باطن کافر بود و در ظاهر و همراه شوهرش مسلمان، برای همین همراه قومش عذاب شد. این حال منافقانی است که همراه پیامبر . صلی الله علیه وسلم . بودند و در ظاهر تسلیم بوده و در باطن مومن نبودند» (جامع المسائل: ۶ / ۲۲۱).

وی . رحمه الله . همچنین می گوید:

«و گروهی از مردم گمان کردند که بر مبنای این آیه مسمای ایمان و اسلام یکی است... حال آنکه چنین نیست؛ بلکه این آیه موافق با آیه نخست است؛ زیرا الله خبر داده که هرکه مومن بوده را از آنجا بیرون آورده و جز خانواده ای از مسلمانان در آنجا نیافته؛ زیرا زن لوط در میان اهل بیتی بود که آنجا بودند و از کسانی نبود که بیرون آمده و نجات یافتند، بلکه از بازماندگانی بود که در عذاب باقی ماندند. او در ظاهر همراه با همسرش بر دین او بود و در باطن همراه قومش و بر دین آنان و خائن نسبت به همسرش بود و قومش را به سوی مهمانان همسرش راهنمایی می کرد، همانطور که الله تعالی می فرماید:

﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَامْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا﴾

[تحریم: ۱۰]

(الله برای کسانی که کفر ورزیده اند زن نوح و زن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند).

و این خیانت در دین بود نه در بستر و منظور آن است که زن لوط مومن نبود و از نجات یافتگان بیرون آمده نیز نبود و در این سخن الله متعال جای نگرفت که: ﴿فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ و از اهل بیت مسلمان (تسلیم شده در ظاهر) بود که در این خانواده بود. برای همین الله تعالی فرمود: ﴿فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ﴾.

اینگونه حکمت قرآن آشکار می شود چنانکه وقتی از بیرون آمدن [از عذاب] سخن گفت از ایمان یاد کرد و وقتی از وجود سخن گفت اسلام را یاد کرد» (مجموع الفتاوی: ۷/ ۴۷۲ - ۴۷۴).

و شیخ ابن عثیمین . رحمه الله . می گوید:

«الله تعالی در داستان لوط می فرماید:

﴿فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [ذاریات: ۳۵ - ۳۶]

(پس هر که از مومنان در آن بود بیرون بردیم (۳۵) و در آنجا جز یک خانه از مسلمانان نیافتیم).

اینجا میان مومنان و مسلمانان تفاوت است؛ زیرا خانه ای که در آن قریه بود در ظاهر یک خانه اهل اسلام بود زیرا زن لوط که با کفر به او خیانت کرد و خود بر کفر بود شامل این خانه می شد، اما کسانی که از آنجا بیرون آورده شده و نجات یافتند مومنان حقیقی بودند که ایمان به دلهایشان راه یافته بود» (مجموع فتاوی و رسائل العثیمین: ۱/ ۴۷ - ۴۹).

والله اعلم